

نکاتی برای معلمان در رابطه با آموزش ظلم و عدل

- اگر بخواهیم که دانش‌آموزان درکی عقلانی از موضوع عدالت (و هر موضوع دیگری) داشته باشند، باید به آن‌ها اجازه بدهیم، بلکه آنان را ترغیب کنیم که درباره‌ی آن‌چه مبهم می‌دانند یا برای‌شان قابل پذیرش نیست، سؤال کنند. تا زمانی که سؤالات و ابهامات آن‌ها پاسخ نگیرد، باور آن‌ها به عدالت اجتماعی کامل نمی‌شود.
- برای معنادار شدن یک موضوع برای دانش‌آموزان، لازم است که آن‌ها موضوع را در بستر زندگی بشناسند. بنابراین باید در ابتدا آن‌ها را با مصادیق ظلم، ظالم و مظلوم در خانه، مدرسه، کلاس و جامعه آشنا کنیم، سپس بر این اساس با آن‌ها ادامه دهیم.
- برای بچه‌ها، مدرسه، از اولین مصداق‌های «جامعه» است. بنابراین ایجاد فضایی مبتنی بر عدالت اجتماعی در مدرسه، از جهت الگوپذیری اهمیت بسزایی دارد. به عنوان مثال فضایی مبتنی بر رقابت یا مدرسه‌ای که تنها طبقه‌ی خاصی از جامعه در آن تحصیل می‌کنند، فضای مناسبی برای آموزش عدالت اجتماعی نیست.
- در بسیاری از جوامع امروزی با نوجوانانی روبرو هستیم که بنا به آن‌چه در جامعه می‌بینند و آن‌چه که از رسانه‌ها و اخبار می‌شنوند، تصور می‌کنند که در این جهان هرکس باید به تنهایی خودش را نجات دهد؛ بقیه خودشان می‌دانند! برخی از آن‌ها با الگوبرداری از برخی بزرگ‌ترها، گمان می‌کنند که در این جامعه، برنده کسی است که بتواند دیگری را زیر پا له کند. با چنین نگرشی، عقلانیت بسیاری از نوجوانان می‌تواند این باشد که «ظلم کردم و کسی ندید» یا «ظلم کردم و کسی نمی‌تواند جبران کند». موارد زیر می‌توانند در این زمینه به ما کمک کنند:
- با دانش‌آموزان در مورد تأثیرات ستم بر روی فرد ستمگر صحبت کنیم. مهم‌ترین نتیجه‌ی ستم‌گری، این است که دل انسان را به ویرانی می‌کشد و از رسیدن ما به بلندای انسانیت - که در پرتو روابط دوستانه با سایر انسان‌ها به دست می‌آید - جلوگیری می‌کند. بسیاری از داستان‌ها استحاله‌ی انسان بر اثر ستم را نشان می‌دهند.
- با دانش‌آموزان در مورد نتایج ستمگری صحبت کنیم. چنان‌چه می‌دانیم، برخی از مهم‌ترین نعمت‌های زندگی، مثل عمر، دوستی، خانواده یا جامعه‌ای آکنده از فضای محبت و صمیمت، بر اثر ستم‌گری از دست می‌روند. ما می‌توانیم به کمک داستان‌های زندگی یا نمونه‌های تاریخی نشان بدهیم که چگونه با ستمگری، نعمت یا نعمت‌هایی زوال می‌یابند. همچنین می‌توانیم خاطرات خودمان را به یاد بیاوریم و از دست رفتن چنین نعمت‌هایی را برای دانش‌آموزان توصیف کنیم. سپس از آن‌ها بخواهیم که نمونه‌های مشابهی را به یاد بیاورند.
- دانش‌آموزان نیاز دارند که بدانند که جهان هستی، جهانی جهت‌دار است و خداوند (یا روح هستی) در مقابل ظلم ایستاده است؛ ایستادگی او در برابر ستم به مظلومان، همچون پدر یا مادری است که فرزندانش را دوست می‌دارد. این نوع نگاه علاوه بر این که به آن‌ها کمک می‌کند که ظالم نباشند، در زمان عدالتخواهی هم پشتوانه‌ی آن‌ها خواهد بود. چرا که می‌دانند روح جهان حامی آنان است.



نکاتی برای معلمان در رابطه با آموزش ظلم و عدل

- خیلی اوقات، در جست‌وجوگری برای عدالت و مبارزه با ظلم، آنچه که ما را هدایت می‌کند، نفرت از ظالم است. به این ترتیب ما نیز در نیت شخصیتی همانند ظالم پیدا می‌کنیم و چه بسا از ابزار و سلاح‌هایی مشابه با ظالمان مدد می‌جوییم. ما باید در تمام طول تدریس مان به دانش‌آموزان کمک کنیم که در مسیر تحقق عدالت، از جانب نفرت پیش نروند و عشق به انسان و انسانیت رهنمون آن‌ها باشد. بنابراین از ابزار و شیوه‌های ظالمانه برای مبارزه با ظلم مدد نجویند. همچنین درک کنند که ظالم نیز، به لحاظ انسانی، فردی مانند آن‌هاست که اشتباه می‌کند و امکان جبران دارد.
- خوب است که به دانش‌آموزان نشان بدهیم که پی‌افکندن یک شیوه‌ی ظالمانه یا بنا کردن یک روال عادلانه، در امتداد زمان، چه ثمرات بلند مدتی دارد، ثمراتی که ممکن است حتی پس از مرگ یک فرد باقی بماند. مهم است که به آن‌ها بیاموزیم که هر عملی امتدادی دارد و نشان بدهیم که کارهای بد و نیک چگونه می‌بالند و بزرگ می‌شوند. به عنوان مثال چگونه تلاش‌های انسان‌ها در طول تاریخ و حتی مرگ آن‌ها در راه عدالت، موجب تحقق عدالت در دنیا شده‌است. مثلاً مبارزاتی که برعلیه تبعیض نژادی انجام شده‌است و در طول سال‌ها به ثمر نشست‌است.
- بسیاری از ما در برابر ظلم می‌ایستیم، اما برای عدالت مبارزه نمی‌کنیم. این که تنها از مضرات ظلم سخن بگوییم کافی نیست. بلکه باید از شیرینی و حلاوت عدالت برای دانش‌آموزان سخن بگوییم. به تصویر کشیدن یک رفتار عادلانه یا یک جامعه مبتنی بر عدالت اجتماعی در ترغیب دانش‌آموزان تأثیری به مراتب بیشتر از بیان تلخی‌های ظالمانه دارد.